

Conflicting interests of Iran and Türkiye in the South Caucasus from a critical geopolitical perspective(2001-2022).

Leila Shirali PhD Student, Department of International Relations, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. E-mail: shirali.law@gmail.com

Farzad Navidinia *Corresponding Author*, Assistant Professor, Department of Political Science, Andimeshk Branch, Islamic Azad University, Andimeshk, Iran. E-mail: farzad.navid@gmail.com

Shiva Jalalpoor Assistant Professor, Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. E-mail: jalalpoor@iauahvaz.ac.ir

Feredoun Akbarzadeh Assistant Professor, Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. E-mail: drferedounakbarzadeh2@gmail.com

Article Info

Article Type:

Reserch Article

Keywords:

Critical Geopolitics,
South Caucasus,
Conflicting Interests,
Regional Powers

ABSTRACT

The main question is, how is the conflict between Iran and Türkiye in the South Caucasus explained from a critical geopolitical point of view? The main hypothesis is that Iran and Türkiye are trying to realize themselves in power-oriented, spatial and identity structures, away from traditional geopolitics. The competing hypothesis is that the conflicts between the two countries in the South Caucasus are power-oriented in nature and are not influenced by geographical space and identity contexts. The findings show that there are two countries in the South Caucasus in the minds of the officials of the two countries in a cultural, civilizational, historical, geopolitical, communicative and balancing role. On the one hand, this is a conflict in the competition for regional supremacy. Iran considers Azeris living in Iran and the Caucasus to have the ideological potential and time to expand Ankara's influence in the region. Türkiye also expands the space of Shia in the Caucasus, especially Azerbaijan, to expand the space of Iran. Türkiye also considers Islamic-Shiite religious teachings to be an inseparable part of Iran's politics. While Iran perceives the expansionist role of the former Ottoman Empire, which Turkey considers to be its representative, and sees identityism as a threat in the convergence of Turkic and Azeri speakers.

Cite this Article: Shirali, L. , Navidinia, F. , Jalalpoor, S. , & Akbarzadeh, F. (2024). Conflicting interests of Iran and Türkiye in the South Caucasus from a critical geopolitical perspective(2001-2022).. *International Relations Researches*, 14(3), 51-72. doi: 10.22034/irr.2024.480720.2607



© Author(s)

Publisher: Iranian Association of International Studies

DOI: 10.22034/irr.2024.480720.2607

منافع متعارض ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی از منظر ژئوپلیتیک انتقادی (۲۰۲۲-۲۰۰۱).

لیلا شیرعلی دانشجوی دکتری گروه روابط بین‌الملل، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.
رایانامه: shirali.law@gmail.com

فرزاد نویدی نیا نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اندیمشک، دانشگاه آزاد اسلامی، اندیمشک، ایران.
رایانامه: farzad.navid@gmail.com

شیوا جلال پور استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.
رایانامه: jalalpoor@iauhavaz.ac.ir

فریدون اکبرزاده استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.
رایانامه: drferedounakbarzadeh2@gmail.com

در باره مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	سؤال اصلی این مقاله این است که منافع متعارض ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی از منظر ژئوپلیتیک انتقادی چگونه تبیین می‌شود؟ فرضیه اصلی این است که ایران و ترکیه سعی می‌کنند با فاصله از ژئوپلیتیک سنتی، منافع خود را در سازه‌های قدرت‌محور، فضایی و هویتی محقق کنند. فرضیه رقیب این است که منافع متعارض دو کشور در قفقاز جنوبی از ماهیت قدرت‌محور برخوردارند و از فضاهای جغرافیایی و زمینه‌های هویتی تأثیر نمی‌پذیرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که منافع دو کشور در قفقاز جنوبی ریشه در ذهنیت مقامات دو کشور در نقش فرهنگی، تمدنی، تاریخی، ژئوپلیتیکی، اتصال دهنده و موازنه‌ساز دارد. این منافع متعارض از یک طرف ریشه در رقابت در تصاحب جایگاه قدرت برتر منطقه‌ای دارد. ایران آذری‌های ساکن ایران و قفقاز را واجد پتانسیل لیدئولوژی و زمان برای گسترش نفوذ آنکارا در منطقه می‌پندارد. ترکیه نیز گسترش فضایی شیعی در قفقاز به ویژه آذربایجان را، گسترش فضایی ایران محسوب می‌کند. ترکیه همچنین آموزه‌های دینی اسلامی - شیعی را جزء جدانشدنی سیاست ایران می‌داند؛ در حالی که ایران با برداشت از نقش گسترش طلبی امپراتوری عثمانی سابق که ترکیه خود را نماینده آن می‌داند و هویت‌گرایی آن در همگرایی ترک‌زبانان و آذری‌زبانان را به عنوان تهدید می‌نگرد. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها رجوع به منابع کتابخانه‌ای است.
کلیدواژه‌ها: ژئوپلیتیک انتقادی، قفقاز جنوبی، منافع متعارض، قدرت‌های منطقه‌ای	
تاریخچه مقاله تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۲۷	

استناد به این مقاله: شیرعلی، لیلا، نویدی نیا، فرزاد، جلال پور، شیوا، & اکبرزاده، فریدون. (۱۴۰۳). منافع متعارض ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی از منظر ژئوپلیتیک انتقادی (۲۰۲۲-۲۰۰۱). پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۴(۳)، ۵۱-۷. doi: 10.22034/irr.2024.480720.2607.

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین‌الملل





ژئوپلیتیک انتقادی دریچه‌ای است که می‌توان از آن به منافع متعارض دولت‌ها در مناطق مختلف نگریست. در این چارچوب، قفقاز جنوبی به عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق راهبردی است که منافع قدرت‌های منطقه‌ای و پیرامونی در آن به شکل متعارض شکل گرفته است. منطقه قفقاز جنوبی متشکل از آذربایجان، ارمنستان و گرجستان به منزله پلی طبیعی میان اروپا و آسیا است. غرب آسیا در جنوب و همجواری با کشورهای اروپای غربی و روسیه از غرب و شمال، قفقاز را به چهارراه شمال-جنوب و شرق-غرب در اوراسیا و قاره آسیا تبدیل کرده است. ایران و ترکیه دو کشور همسایه منطقه قفقاز هستند که هر یک منافع خاص خود را در این منطقه دارند. ایران در این منطقه منافع سیاسی، امنیتی و اقتصادی را دنبال می‌کند. ایران در تنش‌ها و منازعات موجود در این منطقه اغلب در پی ایفای نقش میانجی ظاهر شده است. در عین حال این کشور بعد از جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ م از اقدامات آذربایجان برای بازپس‌گیری مناطق اشغال شده خود از دست ارمنستان، حمایت کرد. مرز ایران و ارمنستان کریدور زمینی مهمی برای ایران برای اتصال به اروپا است. از سوی دیگر ترکیه نیز منافع سیاسی، امنیتی و اقتصادی خود را در این منطقه دنبال می‌کند. مقامات ترک این منطقه را به عنوان یکی از حوزه‌های امپراتوری عثمانی سابق و حوزه نفوذ خود می‌بینند. جمهوری آذربایجان مهم‌ترین متحد ترکیه در قفقاز جنوبی است و آنکارا در پی همکاری راهبردی با این کشور در چارچوب منافع ژئوپلیتیک، اقتصادی و اشتراکات قومی است. هدف اصلی در این تحقیق بررسی منافع متعارض ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی از منظر ژئوپلیتیک انتقادی است و این سؤال را طرح کرد که منافع متعارض ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی از منظر ژئوپلیتیک انتقادی در سال‌های چگونه قابل تحلیل است؟ همچنین این فرضیه را مطرح می‌کند که به نظر می‌رسد که برای تحلیل منافع متعارض ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی از منظر ژئوپلیتیک انتقادی می‌بایست این منافع متعارض را با عبور از ژئوپلیتیک سنتی در قالب رقابت قدرت‌ها برای حوزه نفوذ، در چارچوب استعاره‌های قدرت، فضا و هویت به عنوان عناصر اصلی بررسی نمود. این موضوع از چند منظر دارای اهمیت است. نخست این که منطقه قفقاز جنوبی از مهم‌ترین مناطق ژئوپلیتیکی است که به دلیل رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، وجود منابع انرژی و بحران‌های امنیتی در طول دو دهه گذشته از اهمیت ذاتی برخوردار است. این منطقه همچنین سرشار از بحران‌های امنیتی است که منافع کشورهای منطقه را درگیر تعارض نموده است. اگر یک بحران یا سیاست که از سوی یک کشور اتخاذ می‌شود منافع کشور اول را به همراه داشته باشد، می‌تواند در عین حال موجبات بی‌ثباتی و تهدید برای



کشور یا کشورهای دیگر را به همراه داشته باشد. همچنین بیشتر تحلیل‌ها تنها رقابت‌های موجود در این منطقه را در قالب نظریه‌های روابط بین‌الملل بررسی کرده‌اند. حال آن‌که این بحران و رقابت‌های امنیتی که منافع متعارض این کشورها را رهم زده است، از منظر ژئوپلیتیک انتقادی که تاثیرات و ابعاد فرامتنی این بحران‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد از اهمیت بیشتری برخوردار است.

برای بررسی این موضوع باید آن را در قالب استعاره‌های قدرت، فضا و هویت تحلیل کرد. برای بررسی این موضوع باید آن را در قالب استعاره‌های قدرت، فضا و هویت تحلیل کرد. ایران و ترکیه در سیاست‌گذاری‌های امنیتی خود در قفقاز جنوبی دو عنصر ذهنیت تاریخی و ژئوپلیتیک تاکید دارند و منافع خود را طبق نظم ژئوپلیتیکی که برای آنها مطلوبیت است، تعریف می‌کنند. ایران نقش ترکیه در حفاظت از منافع غرب در قفقاز جنوبی را جدا از منافع ایفای نقش خود به عنوان کشوری مستقل از منافع غرب می‌بیند. ترکیه نیز علقه‌های ژئوپلیتیک و اقتصادی ایران را در تعارض با منافع خود می‌بیند.

۱. پیشینه و ادبیات

حجم آثاری که به روابط ایران و ترکیه پرداخته‌اند، بسیار فراوان است. با این حال کمتر از دریچه ژئوپلیتیک انتقادی به این موضوع توجه شده است. علمدار و همکاران، (۱۴۰۳) در مقاله «تبیین مولفه‌های علائق ژئوپلیتیک در روابط خارجی ایران و ترکیه» به این نتیجه رسیده است که مولفه‌های علائق ژئوپلیتیک در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه، در هشت بعد سیاسی، جغرافیایی، ژئواکونومی، ژئوکالچری، ژئواستراتژی، فضای مجازی-رسانه‌ای، علمی-تکنولوژی و اکولوژی قابلیت طبقه‌بندی دارد. همچنین طبق رتبه‌بندی مولفه‌ها، مؤلفه جغرافیایی بیشترین و اکولوژیکی کمترین میزان اثرگذاری را در روابط دو کشور داشته است. ساداتی شیاده، (۱۴۰۱)، در رساله دکتری خود با عنوان «مولفه‌های نظم منطقه‌ای ایران در خرده شبکه منطقه‌ای قفقاز» به این نتیجه رسیده است که خرده شبکه قفقاز خوشه‌ای در شبکه منطقه‌ای ایران و ترکیه است و از عوامل مؤثر بر الگوهای رفتاری دو کشور را می‌توان توازن ژئوپلیتیکی قدرت، اقتصاد سیاسی و کنش ژئوکالچری مبنی بر آموزه فرهنگی، تاریخی و دینی است.

درج، (۱۴۰۱)، در مقاله «سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی و تأثیر آن بر قلمروی نفوذ این کشور در منطقه ۲۰۲۲-۱۹۹۱» این پرسش را مطرح کرد که سیاست خارجی ترکیه طی سال‌های ۲۰۲۲-۱۹۹۱ چه تأثیری بر نفوذ این کشور در قفقاز جنوبی داشته است؟ همچنین به این نتایج رسید که اهمیت ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی و پیوندهای تاریخی و فرهنگی ترکیه با کشورهای منطقه، باعث نقش‌آفرینی



ترکیه در معادلات انرژی منطقه و حضور فعال ترکیه در مناقشه قره‌باغ شد که ضمن افزایش نفوذ و تقویت منافع منطقه‌ای آنکارا در ۲۰۲۲-۱۹۹۱ تأثیر مستقیم بر منافع و نفوذ منطقه‌ای آن داشت. هانتر و همکاران، (۲۰۲۱) در کتاب «ژئوپلیتیک جدید قفقاز جنوبی: چشم‌انداز همکاری منطقه‌ای و حل تعارض» معتقد است تأثیرات رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بر توسعه کشورهای قفقاز و چشم‌انداز همکاری منطقه‌ای و حل مناقشه بررسی شده است. توماج، (۱۳۹۹)، در مقاله «بررسی تطبیقی سیاست خارجی ترکیه و جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی» معتقد است که فروپاشی شوروی با دگرگونی روابط قدرت و موازنه نیروها در سطوح منطقه‌ای و فعال شدن قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای جهت حضور و نفوذ در حوزه جنوبی شوروی بود. با توجه به این مساله این سؤال را مطرح کرد که گفتمان مسلط سیاست خارجی ترکیه و جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی کدام است؟ و به این نتیجه رسید که دو کشور به دلایل رقابت ایدئولوژیکی و تقابل نقش‌های ژئوپلیتیکی اهداف متعارضی در قفقاز جنوبی دنبال می‌کنند.

۲. مبانی نظری

ژئوپلیتیک اصطلاحی است که برای اشاره به رقابت قدرت‌ها و ابعاد جغرافیایی قدرت سیاسی به کار رفته است (دالبی، ۱۳۹۶: ۱۱۰۱). طبق تقسیم‌بندی اگینو و دالبی^۱، از زمان پیدایش دانش ژئوپلیتیک تا پایان جنگ جهانی دوم را می‌توان دوره ژئوپلیتیک داروینیستی نامید که جغرافیا متغیری مستقل در شکل‌دهی به سیاست کشورها بود. دهه ۱۹۸۰ م دوره شکوفایی ژئوپلیتیک نامیده شده و ژئوپلیتیک رفتاری، مارکسیستی، انتقادی و پست مدرن ظهور کرده است (میرحیدر و حمیدی‌نیا، ۱۳۸۵: ۸-۹). در این بین، ژئوپلیتیک انتقادی نگرشی نوین به جغرافیای سیاسی است. نگرش انتقادی در ژئوپلیتیک ریشه در نهضت فراساختاری در دهه ۱۹۶۰ در فرانسه دارد. مبدع این اصطلاح رودولف کیلن^۲ بود که ژئوپلیتیک را «نظریه حکومت به عنوان ارگانیسم جغرافیایی یا پدیده‌ای در فضا» توصیف کرد (پیشگاهی‌فرد و نورعلی، ۱۴۰۰: ۱۳۵۵). ژئوپلیتیک انتقادی به چگونگی کاربرد استعاره‌ها و تشبیه‌های جغرافیایی می‌پردازد و همچنین بر بعد تبلیغی ژئوپلیتیک در رسانه‌ها و برجسب‌های جغرافیایی به گفتمان رسمی و عمومی جامعه تأکید نموده و معتقد است. مهم‌ترین اثر در مورد ژئوپلیتیک انتقادی، کتاب

^۱. Dalby

^۲. Rudolf Killen



«ژئوپلیتیک انتقادی» (۱۹۹۶) از ژیروید اتوتایل^۱ است. از نظر او ژئوپلیتیک انتقادی به این می‌پردازد که چگونه سیاست‌ها، فضای سیاسی کره زمین را از طریق روشنفکران، مؤسسات و بازیگران حکومتی مسلط شکل داده و سیاست‌های جهانی را بوجود آورده‌اند (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۶۸-۶۹).

ریچارد مویر^۲ در کتاب «جغرافیای سیاسی جدید» معتقد است به جای تمرکز بر شناسایی تأثیر عوامل جغرافیایی بر شکل‌گیری سیاست خارجی، باید به برداشت‌هایی که دولت‌مردان در ذهن دارند و چگونگی تأثیر این بینش‌ها بر تفسیر آنها از مکان‌ها و مناطق، توجه کرد (مویر، ۱۳۷۹: ۱۸). بنابراین هستی‌شناسی ژئوپلیتیک انتقادی مبتنی بر سه رکن اساسی است: چالش ژئوپلیتیک سنتی، تمرکز بر ابعاد سیاسی و سیاست دولت‌ها و ماهیت در حال تغییر. ژئوپلیتیک انتقادی با فاصله از ویژگی‌های ثابت جغرافیای کشورها، بر سیاست به معنای زمان و فضا با تفسیر انسانی و بین‌الذهانی تاکید دارد. نمود ژئوپلیتیک انتقادی، قلمروسازی گفتمانی بر بستر قدرت، فضا و هویت است. قلمروسازی گفتمانی فرایندی است که افراد، گروه‌ها و کشورهای مسلط برای کنترل و مدیریت فضای جغرافیایی در نظم سیاسی و ژئوپلیتیکی مطلوب، به تولید گفتمانی اقدام می‌کنند که در آن از اعمال قدرت صرف برای کنترل فضا فراتر می‌روند. به طوری که کسانی که بر آنها اعمال قدرت می‌شود، خود متوجه این فرایند نمی‌شوند. لذا قلمروسازی گفتمانی شامل روابط عملی و برساختی بین فضا، قدرت و هویت است و از تقابل‌های فرمان‌بر - فرمان‌روا و فرودست - فرادست برای تولید فضا، قدرت و هویت بهره می‌گیرند (افضلی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۱-۳۲).

۱- قدرت در ژئوپلیتیک انتقادی در دو نوع کنشی و واکنشی (کنش معطوف به خود و معطوف به دیگری) است (افضلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۸۲). طرفداران ژئوپلیتیک انتقادی بیش از تکیه بر تعیین نقش جغرافیا در شکل‌گیری سیاست خارجی، به دنبال کشف و تحلیل تصاویر ذهنی سیاستمداران هستند. آن‌ها تلاش دارند از لایه‌های سخت نظام سیاسی جهان (ژئوپلیتیک سنتی) عبور کنند و تأثیر تفاسیر ذهنی سیاستمداران بر نظم جهانی را آشکار کنند. در سایه این نگرش، قدرت از وجوه سخت عبور کرده و در پشت ایدئولوژی و تفکر سیاستمداران پنهان می‌شود.

۲- فضا در ادبیات پست‌مدرن، نتیجه تعیین مرزهایی بین گروه‌های اجتماعی است. فضا تحت تأثیر قدرت، سیاست و ایدئولوژی شکل می‌گیرد و تفسیر می‌شود. زیمل عنصر فضا را شامل پنج عنصر

¹. Giraud O'tuathail

². Richard Muir



می‌داند: انحصاری بودن (تسلط قدرت مسلط بر قلمرو یا سرزمین)، مرز (واقعیت فیزیکی و مادی و تنظیم کننده روابط بین افراد و گروه‌های اجتماع)، پایداری ساخت‌های اجتماعی در فضا (به عنوان نقطه محوری برای روابط اجتماعی در زمان)، مجاورت فضایی (به معنای فضای تکوین‌بخش حس مجاورت بین مردم) و تحرک و پویایی در فضا (به عنوان نیروی وحدت‌بخش برای انسجام اجتماعی). برآیند این شاخص‌ها، نظریه تولید فضا است که به ایجاد فضای ما (خودی) در مقابل آنها (بیگانه) منجر می‌شود.

۳- هویت استعاره سوم ژئوپلیتیک انتقادی است. هویت امری ذاتی و از پیش موجود نیست، بلکه حاصل شرایط اجتماعی و کنش انسانی است. هویت دائم در حال ساخت است و در تعامل با واحدهای هم‌منوع و غیرهم‌منوع شکل می‌گیرد (افضلی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۸۲-۵۸۳). هویت در واقع برساختی معرفتی را فراهم کرده است که در آن ایدئولوژی، جغرافیا و فرهنگ نقش اساسی دارند و افراد و گروه‌ها با توسل به این اجزا هویت می‌یابند.

تعارض منافع کشورها با یکدیگر گاه در سطح روابط دوجانبه و در ابعاد مختلف رخ می‌دهد و گاه نیز در یک منطقه خاص رخ می‌دهد. اصولاً مناطق جغرافیایی برای کشورها به واسطه تعلقات ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ایدئولوژیک دارای اهمیت هستند و خود این اهمیت هنگامی که دولت‌ها در تلاش برای کسب منافع بیشتر برمی‌آیند، به منافع متعارض منجر می‌شود. این منافع عمدتاً رقابت بیشتر دولت‌ها و یا در برخی مواقع منازعه آنها را به همراه دارد. منافع متعارض دولت‌ها هم در قالب نظریه‌های جریان اصلی که اغلب قدرت محور هستند و هم از منظر رویکردهای انتقادی قابل تبیین است. با این حال نظریه‌های جریان اصلی روابط بین‌الملل عمدتاً تبیینی تک بعدی ارائه می‌دهند، حال آن که ژئوپلیتیک انتقادی به صورت جامع‌نگر به آن می‌پردازد. برای مثال منافع متعارض ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی تنها از بعد مادی صرف برخوردار نیست، بلکه ابعاد هویتی و فضایی نیز برخوردار است. منافع متعارض ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی در چارچوب ژئوپلیتیک انتقادی از یک سو رفتارهای دو کشور برای کسب قدرت بیشتر را پوشش می‌دهد. از سوی دیگر فضاهایی را که تهران و آنکارا سعی در ایفای نقش بیشتر در آنها دارند را شناسایی می‌کند و همچنین موضوع هویت را به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر و تاثیرگذار بر منافع هر کشوری در این موضوع درگیر می‌کند و در نهایت تحلیلی جامع از موضوع ارائه می‌دهد.



۳. قلمروسازی گفتمانی و ذهنیت مقامات ایران در قفقاز جنوبی

قلمروسازی گفتمانی از ذهنیت مقامات سیاسی از موضوعاتی است که در نظریه ژئوپلیتیک انتقادی مورد توجه قرار دارد. منظور این است که قفقاز جنوبی چه ارزشی در اذهان مقامات ایران دارد و آنها چگونه تحت تأثیر زمان، مکان و ایدئولوژی به قفقاز جنوبی می‌نگرند. قفقاز جنوبی در شمال غربی ایران به منزله پلی طبیعی میان اروپا و آسیا نقش ایفا می‌کند و وجود غرب آسیا در جنوب و همجواری با کشورهای اروپای غربی و روسیه از غرب و شمال بر اهمیت آن افزوده است (Areshev, 2015: 171-12). به واسطه این موقعیت خاص جغرافیایی، قفقاز زمینه اثرگذاری بر دیگر مناطق بیرونی و پیرامونی خود را دارد. در اذهان مقامات ایرانی قفقاز جنوبی، محیط سیاسی و امنیتی فوری ایران است. آیت‌اله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی و مهم‌ترین شخص تصمیم‌گیر در سیاست خارجی ایران در مورد اهمیت این منطقه معتقدند: «برای ما اطراف کشور هم مهم است. برای ما، هم منطقه غرب آسیا مهم است، هم منطقه قفقاز مهم است، هم مناطق شرقی ما مهم است، همه این‌ها مهم است. حواس ما به همه این‌ها باید باشد که دشمن چه کار می‌خواهد بکند؛ همه در این زمینه‌ها باید تلاش کنند (دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌اله خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۰۹/۰۵).

محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور ایران در سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۴ در مورد اهمیت این منطقه بر آن بود که: «ما در یک حوزه فرهنگی و تمدنی هستیم. زندگی مردم ما خیلی شبیه به هم است. اعتقادات، باورها، آداب و رسوم حتی لباس پوشیدن‌ها، غذا خوردن‌ها و مفاهیم. ما یک حوزه بزرگ فرهنگی و تمدنی شناخته شده برای کل تاریخ و کل دنیا هستیم. روابط ملت‌های ما هم به همین نسبت عمق دارد، یک عمق تاریخی بسیار طولانی که ریشه در اعمال دل‌ها و اندیشه‌ها دارد ... ما فکر می‌کنیم همه این منطقه بتواند در کمال آرامش و دوستی با هم زندگی کند. به جای این که رقیب هم باشند، کامل کننده و تکامل بخش همدیگر باشند. ما باید برای پیشرفت به هم کمک کنیم. حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران در سال‌های ۱۳۹۲-۱۴۰۰ معتقد بود: «منطقه قفقاز به طور کلی و جمهوری آذربایجان به طور ویژه متعلق به حوزه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشند و اهمیت ویژه‌ای برای منافع ایران دارند.» (پورااحمدی و پدین، ۱۳۹۹: ۱۲۲). جواد ظریف وزیر خارجه ایران در سال‌های ۱۳۹۲-۱۴۰۰ در سفر به ارمنستان در خرداد ۱۴۰۰ اظهار کرد: «قفقاز منطقه‌ای حیاتی و حفظ امنیت و آرامش آن، مسئله امنیت ملی ایران است و ایران در این منطقه بر احترام به تمامیت ارضی، رعایت حقوق همه مردم منطقه و حل مسالمت‌آمیز اختلافات تاکید دارد. جمهوری اسلامی ایران از هر تشکی در منطقه رنج می‌برد و امیدوار



است اختلافات در منطقه و بین جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان کاهش یابد و کشورهای منطقه به سوی ثبات و افزایش ارتباطات مفید برای مردم منطقه حرکت کنند» (The Prime Minister of the Republic of Armenia, 26/05/2021). ابراهیم رئیسی رئیس جمهور سابق ایران در دیدار نیکول پاشینیان در آبان ۱۴۰۱ گفت: «منطقه قفقاز بخشی از تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران است و ما نسبت به منطقه قفقاز حساس هستیم؛ امنیت و صلح در قفقاز برای ایران بسیار اهمیت دارد».

این ذهنیت مقامات ایرانی در عین حال در حوزه عملی، سطوح مختلفی از تحلیل را برانگیخته است. در سطح اول ثبات در مواضع ایران نسبت به این منطقه دیده می‌شود. اصل ثابت دیپلماسی ایران در قفقاز جنوبی، حل مسائل منطقه به دست کشورهای آن است. در این جا می‌توان گفت که رویکرد منطقه‌محور ایران با رویکرد فرامنطقه‌محور شوراهایی مانند آذربایجان و ترکیه در تعارض است. در نتیجه این تعارض شاهد جبهه‌بندی نوین در این منطقه بعد از جنگ سال ۲۰۲۰ م در قالب محور ایران - ارمنستان - روسیه در برابر محور ترکیه - آمریکا - آذربایجان هستیم (عباس‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۳۹).

سطح دوم تحلیل، رویکردهای سیاست خارجی ایران به این منطقه است. در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۷۶ رویکرد عمل‌گرا مبتنی بر تنش‌زدایی در سیاست‌های ایران در قفقاز جنوبی حاکم بود و به این منطقه به عنوان یک عرصه تمدنی-فرهنگی ایران نگریسته می‌شد. سیاست خارجی ایران در سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۴ بیشتر بر کنترل و مدیریت درگیری‌ها بین ارمنستان و آذربایجان در موضوع قره‌باغ متمرکز بود. این سیاست مستلزم تفاهم ایران، روسیه و کشورهای منطقه طبق تعاملات چندجانبه برای کاهش حضور و نفوذ آمریکا، اسرائیل و ترکیه بود. به عبارت دیگر، ایران در این دوره مسیر تقابل با غرب را در این منطقه در پیش گرفت. در سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۲ نگاه ایران به قفقاز جنوبی مبتنی بر واقع‌بینی و تعامل سازنده بود. این سیاست هم ایران را ملزم به مقابله با هژمونی و یکجانبه‌گرایی غرب می‌کرد و هم تنش‌زدایی و نزدیکی روابط با کشورهای این منطقه. این دیدگاه باعث شد تا رئیس جمهور روحانی در روابط با هم‌تایان ارمنی و آذری، دو کشور را به عنوان دو دوست معرفی کند (Azizi and Hamidfar, 2021: 170-178). در دولت ابراهیم رئیسی (۱۴۰۳-۱۴۰۰) منطقه قفقاز در قالب سیاست همسایگی مورد توجه گرفت و دیدارهای متعددی بین رئیس جمهور و وزیر امور خارجه ایران و مقامات کشورهای قفقاز انجام شد. رئیس جمهور رئیسی در این باره معتقد بود: «سیاست همسایگی به دنبال تضمین امنیت پایدار از طریق همکاری‌های درون‌منطقه‌ای و ممانعت از مداخله خارجی است. از قفقاز تا خلیج فارس، هر گونه حضور بیگانه، نه تنها بخشی از راه‌حل نیست، بلکه خود مشکل است. ما امنیت همسایگان را



امنیت خود و هر گونه ناامنی برای آنها را ناامنی برای خود می‌دانیم» در سطح سوم تحلیل می‌توان به عملکرد منفعلانه سیاست خارجی ایران در قفقاز، علی‌رغم تأکیدات مقامات مسئول اشاره کرد. از سال ۲۰۰۳ م مرکز ثقل سیاست خارجی ایران، نه منطقه قفقاز بلکه غرب آسیا و منطقه عربی قرار گرفت و ایران از فرصت‌های مختلف در این منطقه مانند کریدورهای مواصلاتی از این منطقه کنار گذاشته شد. بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند که ایران قبل و بعد از جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ نتوانست نقش موثری در این منطقه ایفا نماید. تنها بعد از تغییر وضعیت میدانی جنگ بود که ایران به حمایت از دستاوردهای آذربایجان پرداخت. در واقع محور سیاست‌ورزی و شکل‌دهی به روندها در این منطقه کشورهای رقیب ایران از جمله ترکیه و روسیه بودند.

۴. قلمروسازی گفتمانی و ذهنیت مقامات ترکیه در قفقاز جنوبی

بعد از پایان جنگ سرد و تشکیل کشورهای جدید در مرزهای ترکیه، نگاه دولتمردان ترک به قفقاز جنوبی جلب شد. ترکیه همچنین به لحاظ تاریخی خود را در این منطقه ذی‌نفع می‌داند و معتقد به لزوم نقش‌آفرینی منحصر به فرد در منطقه بوده است. بر همین اساس به تعریف سیاسی و اقتصادی خود از قفقاز پرداخت و تهدیدات علیه خود در این منطقه را مسائلی نظیر تشکیل سیستم‌های امنیتی بدون حضور ترکیه، انتقال انرژی منطقه از مسیر روسیه یا ایران، قدرت‌یابی گروه‌های اسلام‌گرا، اتحاد احتمالی ایران و روسیه در مسائل قفقاز و روی کار آمدن گروه‌های رادیکال ملی‌گرا در ارمنستان قرار داد (کازمی، ۱۳۸۴: ۱۲۲-۱۲۱). سیاست خارجی ترکیه قبل از سال ۲۰۰۲ م به مراتب غرب‌گرا و تک‌بعدی بود و این کشور بخش عمده روابط خود را در جهت رابطه با غرب به ویژه آمریکا و عضویت در اتحادیه اروپا شکل داد. اما با روی کار آمدن حزب دولت عدالت و توسعه، سیاست خارجی ترکیه شکل چندبعدی، عملگرا و منافع محور در محیط پیرامونی و جهانی گرفت. یک بعد مهم این سیاست، توجه به مناطق پیرامونی و کشورهای همسایه برای افزایش نقش و جایگاه ترکیه از جمله در قفقاز جنوبی بود (فلاح‌پیشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۷).

جنبه‌های اصلی سیاست ترکیه در قفقاز جنوبی شامل تقویت استقلال و حاکمیت کشورهای منطقه، حمایت از ادغام این کشور در ساختارهای یوروآتلانتیک، حفظ و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و ثبات سیاسی و اقتصادی است. ترکیه پیوندهای تاریخی و فرهنگی عمیقی با قفقاز جنوبی دارد که به عنوان پلی است که ترکیه را به آسیای مرکزی متصل می‌کند (Scotti, 2023). پس از انحلال شوروی سابق، ترکیه از اولین کشورهایی بود که استقلال جمهوری‌های سه‌گانه این منطقه را به رسمیت شناخت. در



این بین به دلیل اشغال قره‌باغ توسط ارمنستان، ترکیه روابط خود را با ایروان در سال ۱۹۹۳ م قطع کرد. روابط ترکیه با آذربایجان و گرجستان طی ۲۷ سال پس از استقلال آنها، افزایش یافته است. اما روابط ترکیه با آذربایجان و گرجستان در سطح همکاری راهبردی^۱ است و ترکیه به ویژه در کریدورهای انرژی این منطقه مانند خط لوله نفتی باکو - تفلیس - جیهان و خط لوله گاز طبیعی باکو - تفلیس - ارزروم، راه آهن باکو - تفلیس - قارس^۲ و خط لوله گاز طبیعی ترانس آناتولی^۳ سهیم است (Turkey Ministry of Foreign affairs, 2024). پایان جنگ سرد فرصتی جهت بازاندیشی در ادراک و برداشت‌های ذهنی رهبران ترک را فراهم آورد تا با درک نوین از تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای و با نگاه به تاریخ گذشته خود، به ترسیم اهداف و منافع جدید و ایفای نقش برتر در قفقاز جنوبی بپردازند. این تغییر نگرش با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و به ویژه تحت تأثیر دکترین «عمق استراتژیک» احمد داووداوغلو شکل نوینی به خود گرفت (جانسیز و صالحیان، ۱۳۹۵: ۱۶۰). در این بین به نظر می‌رسد ایده‌های مقامات ترک همچون داووداوغلو وزیر خارجه سابق و اردوغان رئیس جمهور این کشور رفتار این کشور در قفقاز جنوبی را برساخته است.

اردوغان در نوامبر ۲۰۲۱ م در نخستین سالگرد پیروزی نبرد قره‌باغ اظهار کرد: «آزادی قره‌باغ و اراضی آذربایجان مانند سرآغاز جدیدی برای منطقه قفقاز مهم است. خواستار آن هستیم که غنای اقتصادی منطقه قفقاز به عنوان پربرکت‌ترین منطقه جهان در مسیر افزایش رفاه آرامش ساکنان این منطقه استفاده شود. در نظام جدید جهانی اهمیت راهبردی قفقاز مضاعف خواهد شد. ما به عنوان ترکیه مصمم هستیم که برای روشن‌سازی آینده منطقه‌مان که با آن روابط تاریخی و فرهنگی داریم، به مسئولیت خود عمل کنیم» (Anadolu agency, 08/11/2021). اردوغان همچنین در ژوئن ۲۰۲۲ در تماس با نیکول پاشینیان نخست‌وزیر ارمنستان گفت: «عادی‌سازی روابط ارمنستان و ترکیه پیامدهای مهمی برای منطقه قفقاز جنوبی دارد. این موضوع چشم‌انداز ژئوپلیتیکی را تغییر داده و امیدواری برای حل و فصل درگیری‌های طولانی مدت در این منطقه، از جمله اختلاف ارمنستان و جمهوری آذربایجان ارائه می‌دهد».

ذهنیت مقامات در قفقاز جنوبی در قالب گزاره‌های «آزادی قره‌باغ»، «اقتصاد منطقه»، «نظام جدید جهانی»، «اهمیت راهبردی قفقاز»، «روابط تاریخی و فرهنگی»، «مسئولیت ترکیه» و «چشم‌انداز ژئوپلیتیکی» نشان می‌دهد که نگاه مقامات ترک به قفقاز از دریچه موازنه قوا، نقش منطقه‌ای ترکیه و تمرکز بر مسیرهای

¹. HLSC

². BTK

³. TANAP



ترانزیتی و کریدوری است. ترکیه به منطقه قفقاز به عنوان سکوی پرش و نقطه اتصال با سایر نقاط جهان و قدرت نمایی در این حوزه می‌نگرد. در این باره جفری مانکوف^۱ پژوهشگر ارشد بنیاد کارنگی معتقد است که چراغ راهنمای سیاست خارجی اردوغان، قرار دادن آنکارا به عنوان قدرتی منطقه‌ای با خودمختاری استراتژیک است. با شکست عملی تلاش ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا و تنش‌های فزاینده با واشنگتن و بروکسل در سال‌های اخیر اردوغان توسعه روابط با شرکای جدید در قفقاز و غرب آسیا را افزایش داده است. این امر دیدگاه جاه‌طلبانه ترکیه به عنوان یک قدرت جهانی را در زمانی که واشنگتن قصد خود را محدود کردن آنکارا اعلام کرد، تقویت می‌کند (درج، ۱۴۰۱: ۳۱۳).

در مجموع به نظر می‌رسد که مقامات ترکیه از جمله اردوغان رئیس‌جمهور این کشور نگرشی تهاجمی و رو به جلو نسبت به منطقه قفقاز جنوبی دارند. این امر بیش از همه ریشه در دکترین عمق استراتژیک داوداغلو دارد که معتقد است ترکیه نباید خود را در فضای تنگ درونی محدود کند بلکه باید با استفاده از پتانسیل‌هایی که در مناطق پیرامونی نظیر قفقاز وجود دارد، حوزه ژئوپلیتیکی خود را افزایش دهد. در واقع می‌توان گفت به ویژه در یک دهه اخیر که نخبگان ترک از عضویت در اتحادیه اروپا ناامید شدند، توجه خود را بیشتر به مناطقی نظیر قفقاز و غرب آسیا که محیط امنیتی و سیاست خارجی فوری آنها محسوب می‌شود، مبدول داشتند.

۵. منافع متعارض ایران و ترکیه در قفقاز در پرتو ژئوپلیتیک انتقادی

۵-۱. استعاره قدرت

در استعاره قدرت ژئوپلیتیک انتقادی به نظر می‌رسد علت تعارض منافع ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی، بدست گرفتن جایگاه قدرت برتر منطقه‌ای است که به مثابه دیگری قدرتمند دو کشور عمل می‌کند. در واقع تلاش برای پرهیز از تنزل موقعیت منطقه‌ای یا همان انگاره فرودست شدن باعث شده تا دو کشور در قبال یکدیگر مواضع واکنشی اتخاذ نمایند. به نظر می‌رسد که ایران و ترکیه پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی، همواره در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به ویژه در مناطق پیرامونی درگیر رقابت بوده‌اند (فلاح‌پیشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۲-۵۱). ایران از نظر نظامی و علمی و ترکیه از نظر اقتصادی رتبه برتر در این منطقه دارا می‌باشند. بسیاری معتقدند که تلاش متقابل برای تبدیل به قدرت منطقه‌ای برتر، ریشه اصلی رقابت ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی را تشکیل می‌دهد. پس از به قدرت

^۱ Jeffrey Mankoff



رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، سیاست خارجی این کشور بر مبنای استراتژی به صفر رساندن مشکلات با همسایگان تعریف شد و طبق دکترین احمد داووداوغلو مبنی بر عمق استراتژیک با تاکید بر ویژگی‌های تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی ترکیه، توجه ویژه به این منطقه برای گسترش نفوذ در دستور کار قرار گرفت و از این رو، بهینه‌سازی روابط و مناسبات با سه دولت منطقه از اولویت‌های مهم آنکارا بوده است. این دستاوردهای مناسب در عرصه داخلی و خارجی و کسب همراهی افکار عمومی و نظر مساعد غرب، سبب شد که ترکیه نمایش قدرت خود را به کشورهای قفقاز با هدف افزایش قدرت، تغییر وضع موجود و تبدیل به ابرقدرت منطقه‌ای تسری دهد (صادقی اول و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰-۱۱).

ایران نیز بر مبنای اسناد فرادستی خود از جمله سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴ سودای قدرت برتر در این منطقه را داشته است. اما می‌توان گفت الهام‌بخشی ایران بر مبنای سلطه اقتداری است نه اجباری. منظور اعمال سلطه از طریق ایجاد نظم و ثبات از طریق هدایت افکار عمومی و جلب آنها می‌باشد و نه سلطه اجباری و کاربرد قدرت. این رویکرد به تنش‌زدایی در منطقه قفقاز کمک کرده و به دنبال تأمین منافع در حیطه توان بازیگر و چانه‌زنی با هزینه بالا بوده است (جوادی ارجمند، ۱۳۸۸: ۷۵). به رغم این در این منطقه هر گونه تلاش برای رسیدن به موقعیت برتر می‌تواند به چالشی امنیتی - اقتصادی برای سایر بازیگران تبدیل شود.

موضع اصولی ایران در این منطقه در راستای حقوق بین‌الملل و حفظ تمامیت ارضی کشورها است. در همین راستا ایران در جنگ سال ۲۰۲۰ برای حفظ توازن و از دست ندادن جایگاه خود، حق باکو را برای بازپس‌گیری سرزمین‌های خود به رسمیت شناخت. رهبر انقلاب اسلامی در ۱۳ آبان ۱۳۹۹ گفت: «همه سرزمین‌های جمهوری آذربایجان که ارمنستان تصرف کرده، باید آزاد و به جمهوری آذربایجان برگردانده شود» (دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳/۰۸/۱۳۹۹). ترکیه شکل‌گیری حوزه نفوذ ایران علاوه بر غرب آسیا در قفقاز را به معنای ترجمان گفتمانی می‌داند که با تخریب چارچوب‌ها و سازه‌های سیاسی و ایدئولوژیک حاکم بر نظم پیشین، منجر به استقرار نظمی نو بر مبنای سازه‌های ایدئولوژیک و سیاسی جدید می‌شود. در نتیجه این امر ممکن است تا موازنه کلاسیک در این منطقه به سمت موازنه‌ای جدید با محوریت فرهنگ تشیع و به سود ایران تغییر یابد. این در حالی است که ترکیه که سودای رهبری منطقه‌ای را در سر داشت، وجود ایران را در تعارض با اصول ارزشی و ایدئولوژیک خود می‌دید و آن را مانعی برای حاکم کردن معیارها و موازین و الگوی حکومتی خود و حصول به اهداف می‌پندارد (صادقی اول و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲). رقابت ایران و ترکیه در گسترش نفوذ چند بعد اساسی دارد. یک



بعد آن، افزایش نظامی گری در منطقه است. روسیه در دو دهه گذشته به صورت مستمر هزینه‌های نظامی خود به ویژه در قفقاز جنوبی را افزایش داده است (Global Security, 2019: 4). استعاره قدرت برای ترکیه در حمایت نظامی از آذربایجان در جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ نشان داده شد. ترکیه در بحبوحه این جنگ، نشست شورای عالی همکاری راهبردی با آذربایجان را برگزار نمود و در قالب رزمایش مشترک نیروهای زمینی و تمرینات هوایی دو کشور در باکو، نخجوان، گنجه و کرادمیز از آذربایجان حمایت کرد. در همین زمان مولود چاوش اوغلو وزیر خارجه ترکیه ضمن اعلام حمایت قاطع آنکارا از باکو، اظهار داشت: «هر راه حلی که باکو برای سرزمین‌های اشغالی و قره‌باغ ترجیح می‌دهد، ترکیه در کنار آذربایجان خواهد بود» اردوغان نیز در نشست شورای امنیت ملی ترکیه حمایت کامل آنکارا از آذربایجان را اعلام کرد. الهام علی‌اف در واکنش به پشتیبانی ترکیه اظهار داشت: «من از برادرم رجب طیب اردوغان تشکر می‌کنم. وی بار دیگر ثابت کرد که ترکیه همیشه حامی آذربایجان بوده است. این جلوه‌ای از برادری و اتحاد ترکیه و آذربایجان است» (کاکایی و دهقانی فیروزآبادی، ۱۴۰۰: ۱۰۶-۱۰۵).

همکاری‌ها و حمایت نظامی ترکیه بعد از جنگ و تحقق بازپس‌گیری مناطق اشغالی آذربایجان افزایش یافت. اردوغان در مجلس ملی ترکیه در اکتبر ۲۰۲۱ با توجه به تحولات منطقه‌ای تهدیدی ضمنی علیه ایران را مطرح کرد و گفت: «در آینده نزدیک بار دیگر با برادران آذربایجانی خود ملاقات خواهیم کرد، ولی هرگز نگرش خصمانه برخی طرف‌ها به جمهوری آذربایجان و ترکیه را که برای آزادسازی سرزمین‌های اشغالی خود تلاش می‌کنند، فراموش نخواهیم کرد» (فتح‌اللهی، ۱۴۰۰: ۱-۲). پس از پایان جنگ نیز چندین رزمایش مشترک بین آذربایجان و ترکیه بدون دعوت از ایران در نخجوان برگزار شد. حتی آذربایجان اقدام به توقف، بازرسی، تفتیش و حتی دستگیری رانندگان ایرانی در جاده گوریس - قاپان و اعمال مالیات‌هایی تا سقف ۲۵۰ دلار کرد. به علاوه پس از آن که ایران نیز در جوار رود ارس اقدام به برگزاری رزمایش موسوم به «فاتحان خیبر» کرد، ترکیه و آذربایجان مجدداً رزمایش مشترکی در نخجوان مماس با مرز ارمنستان و ایران برگزار کردند.

پیروزی نظامی آذربایجان در قره‌باغ چشم‌انداز جدیدی را برای ترکیه در قفقاز جنوبی فراهم کرد. با موافقت طرف روسی، یگان نظامی تجسسی ترکیه در مناطق تصرف شده آذربایجان در جنگ ۴۴ روزه، مستقر شد. استقرار واحد نظامی این کشور در قلمرو جمهوری شوروی سابق، پیشرفت ژئوپلیتیکی بی‌سابقه‌ای برای ترکیه بود (درج، ۱۴۰۲: ۳۱۵-۳۱۶). طی سه سال گذشته از جنگ قره‌باغ ترکیه همواره متمایل است تا در ترتیبات امنیتی این منطقه به عنوان ضامن برای آذربایجان عمل کند. اما ایران چشم‌انداز



خود را بر مبنای سیاست همسایگی و نگاه به شرق و در عین حال مشارکت امنیتی محدود با ارمنستان قرار داده است. به ویژه این که ارمنستان برای واردات تسلیحات از هند به ایران نیاز مبرم دارد. از آنجا که ایران آذربایجان را به دلیل تسهیل اقدامات مخفی اسرائیل به عنوان یک خطر امنیتی می‌بیند، همکاری نظامی نزدیک‌تر تهران با ارمنستان امکان ایجاد بازدارندگی را فراهم می‌کند؛ اما همچنین می‌تواند خطر اصطکاک با ترکیه را نیز در پی داشته باشد (Roubanis, 2024: 2).

از سوی دیگر آشکارترین شکل تقابل ایران و ترکیه در حوزه اقتصادی نمود یافته است. ایران و ترکیه در دو دهه اخیر رقابت محسوسی را در زمینه خطوط انتقال نفت و گاز، مبادلات تجاری، سرمایه‌گذاری، بازار مصرف انرژی و عبور کریدورها از این منطقه دارند (فلاح‌پیشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۲). ترکیه امیدوار بود با احداث کریدور زنگزور در مرز ایران و ارمنستان در استان سیونیک، نقش آذربایجان در پازل منطقه‌ای آنکارا به اوج برسد. از سوی دیگر آذربایجان نیز امیدوار بود با احداث این کریدور، ارتباط زمینی بین نخجوان و بقیه خاک آذربایجان و اتصال آن به ترکیه انجام شود؛ اما مخالفت ایران این طرح را ناکام گذاشت (Gorecki and Strachota, 2021: 11). مخالفت ایران با این کریدور بر مبنای هراس ایران از کاهش نقش این کشور در اتصالات منطقه‌ای بود. ایران معبر اتصال آذربایجان به نخجوان است؛ اما در صورت احداث این کریدور تهران نقش خود در برقراری این ارتباط را از دست می‌داد. در صورت احداث این کریدور علاوه بر این که نقش ایران در ارتباط ترکیه و آسیای مرکزی از بین می‌رفت، ایران ارمنستان را نیز که زمینه اتصال تهران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا بود را نیز از دست می‌داد.

۲-۵. استعاره فضا

مساله فضا یکی از عناصر بنیادین ژئوپلیتیک انتقادی است که در پیوند با زمان، قدرت، سیاست یا ایدئولوژی بازیگران سیاسی دچار تغییر می‌شود. فضا به این دلیل اهمیت دارد که ایجاد یک فضای گفتگومانی نیاز به بازیگر رسمی و دولتی، مرز و جغرافیا ندارد، بلکه عوامل نرم‌افزاری نیز می‌تواند فضای مشترک بین‌الذهانی را محقق سازد. استعاره فضا در تعارض منافع ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی با پدیده قومیت ترک مرتبط است. ترکیه با وجود رقابت‌های منطقه‌ای با ایران، اما هیچ‌گاه از جانب این کشور نگرانی نسبت به فضای جغرافیایی خود ندارد. در درجه بعدی و متناسب با مفهوم هرمنوتیک فضایی اتوتایل، مقامات ترکیه آذری‌های ساکن ایران و قفقاز را واجد پتانسیل ایدئولوژی و موقعیت زمانی برای گسترش نفوذ آنکارا در منطقه می‌پندارند (صادقی اول و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳). لذا ترکیه سیاست‌های مبتنی بر پان‌ترکیسم در درون مرزهای ایران را به عنوان فرصت می‌نگرد. در سوی دیگر، ترکیه نیز



فضاهای مربوط به ایران در قفقاز جنوبی را از جمله سیاست‌های ایدئولوژیک‌محور را در تعارض با منافع خود می‌بیند. به طور کلی روش ترکیه بر مبنای جایگزینی امت‌گرایی اسلامی عثمانی به جای امت‌گرایی اسلامی شیعه در این منطقه قرار دارد. آنکارا و باکو ارکان اصلی پان‌ترکیسم و پان‌آدریسم در مقابل ایران در منطقه هستند. زمانی که در تابستان سال ۲۰۰۱ م ایران به سوی شناور نفتی آذربایجان - انگلیس آتش گشود، ترکیه با صراحت از آذربایجان حمایت کرد و حتی جت‌های جنگی این کشور بارها در آسمان باکو و اطراف آن به پرواز درآمدند. از طرف دیگر هم، ترکیه در رژیم حقوقی دریای خزر به نفع آذربایجان و افزایش سهم این کشور در مقابل ایران مداخلاتی را انجام داده است (فلاح‌پیشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۳-۵۲).

ترکیه حامی مطامع ارضی باکو در مقابل ایران است. ایده «آذربایجان واحد» از زمانی که در کنگره جهانی آذربایجانی در مارس ۲۰۰۶ در باکو مطرح شد، دائماً تکرار شده است. این ایده با توجه به پیوندهای خویشاوندی، مذهبی و فرهنگی ترک‌زبانان دو سوی ارس، نگرانی امنیتی ایران را به همراه دارد. نتیجه این مساله، سیاست‌گذاری تقابلی بین دو کشور در منطقه است (کولایی و اصولی، ۱۳۹۱: ۸۶). الهام علی‌اف در آبان ۱۴۰۱ در اجلاس روسای سازمان کشورهای ترک‌زبان گفت: «جهان ترک تنها از کشورهای مستقل ترک تشکیل نمی‌شود، بلکه مرزهای جغرافیایی آن گسترده‌تر است. معتقدم زمان فرارسیده که در چارچوب سازمان مسائلی مانند جلوگیری از همسان‌سازی و حفظ حقوق، امنیت و هویت ملی هموطنان را که در خارج از کشورهای عضو زندگی می‌کنند در نظر داشته باشیم ... ما به تلاش خود ادامه خواهیم داد تا هموطنانی که با سرنوشت تلخ از جمهوری آذربایجان جدا شده‌اند، زبان، سنت و فرهنگ ما را حفظ کنند و به اندیشه آذربایجانی‌گری وفادار بمانند و هرگز با سرزمین تاریخی خود قطع رابطه نکنند» (President of republic of Azerbaijan Ilham Aliyev, 2022). رسانه‌های آذربایجان همواره از لفظ «آذربایجان متحد» و «آذربایجان جنوبی» استفاده می‌کنند و بر این محتوا تاکید دارند که «زمان جدایی آذربایجان جنوبی از ایران فرا رسیده است». آنکارا حساب ویژه‌ای روی طرح‌های ضدایرانی آذربایجان در قفقاز جنوبی باز کرده است. از جمله اردوغان در مراسم پیروزی آذربایجان در نقطه صفر مرزی با ایران با خواندن شعری در مورد جدایی آذربایجان از ایران در قرن نوزدهم، این موضوع را به نمایش گذاشت. اردوغان در سخنان خود یک شعر قدیمی آذری با نام آراس را خواند که سروده‌ای مردمی در حسرت جدایی مردمان دو سوی ارس است و به دوره جنگ روس‌ها با ایران و جدایی ۱۷ شهر از ایران بازمی‌گردد. مضمون این شعر چنین می‌گوید: «ارس را جدا کردند و آن را با سنگ و شن پر کردند / من



از تو جدا نمی‌شد، ما را به زور جدا کردند» این شعر در حوزه ادبیات تجزیه‌طلبانه قلمداد می‌شود. قرائت این شعر، حاکی از خوی توسعه‌طلبانه ترکیه نسبت به ایران بود (Motamedi, 2020: 5-4). جواد ظریف وزیر خارجه ایران در توییتی در واکنش به این شعر نوشت: «به اردوغان نگفته بودند شعری که به غلط در باکو خواند مربوط به جدایی قهری مناطق شمالی ارس از سرزمین مادریشان ایران است! آیا او نفهمید که علیه حاکمیت جمهوری آذربایجان سخن گفته است؟ هیچ کس نمی‌تواند درباره آذربایجان عزیز ما صحبت کند.» محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در توییت نوشت: «اگر اردوغان از خواندن شعر ارس منظورش ایران بزرگ است، درست است. زیرا آذربایجان در قلب ملت ایران و در کنار برادران دیگرش از قوم، لر و کرد و بلوچ و عرب قرار دارد. اگر نظرش تکرار تجربه شکست خورده داعش در سوریه است، حرف غلطی است.»

جمهوری اسلامی نیز به مثابه یک واحد سیاسی-فضایی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر قلمرو ایران حاکم شد، هم راستا با گزاره‌های هستی‌شناختی اسلام سیاسی، اقدام به بازتعریف و بازآرائی سیاست خارجی خود کرد (اسمعیلی و همکاران، ۱۴۰۱: ۳). استعاره فضا در مورد ایران از ماهیت انتقادی و اعتراضی تشیع است. گفتمان‌هایی نظیر عدالت، صلح و برابری از جمله رویش‌های گفتمانی انقلاب اسلامی است که عنصر فضا را تحقق بخشیده است. در قالب استعاره فضا گفتمان‌های نه شرقی نه غربی، گفتمان امت واحده اسلامی از دو جهت در تعارض با منافع ترکیه قرار دارند. نخست این که معطوف به گفتمان اصیل اسلامی بوده و فارغ از ملاحظات مذهبی است و دوم این که هر کشور، گروه و یا بازیگران غیررسمی می‌تواند ذیل تعریف گفتمان محوریت امت واحده اسلامی قرار بگیرد (جعفری‌پناه و ناایج، ۱۴۰۲: ۳۷-۳۸).

اگر استعاره فضا در ژئوپلیتیک انتقادی نقش عناصر گفتمانی در ادامه گسترش فضایی کشور در ادراک دولت یا بازیگر مقابل در نظر بگیریم، باید گفت که ترکیه وجود مردم و گروه‌های مختلف شیعی در کشورهای قفقاز جنوبی را به نوعی گسترش فضایی این کشور در این منطقه محسوب می‌کند. در بین کشورهای قفقاز، آذربایجان بیشترین جمعیت شیعی را دارد و جریان‌های شیعی آن مستقیماً از انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفته‌اند. از جمله حزب اسلامی آذربایجان و جنبش حسینون طرفدار اصلی اجرای الگوی نظام سیاسی و دینی ایران است. نوع روابط ایران با این جریان‌ها کارکرد دوگانه دارد: حمایت ایران هم باعث تقویت آنها شده و هم آنها را بیش‌تر زیر فشار حاکمیت و افکار عمومی به عنوان جریان‌های غیربومی قرار داده است. ترکیه نیز برای تغییر فضا در این منطقه در مقابل ایران ابزارهایی را



در اختیار دارد. برای مثال فرقه نورچی در آذربایجان در سال‌های گذشته به یکی از بانفوذترین گروه‌های اجتماعی - سیاسی آذربایجان تبدیل شده است. نورچی‌ها با سوءاستفاده از اسلام و قوم‌گرایی ترک، به شعبه‌ای از اداره دیانت ترکیه در باکو تبدیل شده‌اند. تعدادی از رسانه‌ها مانند خبرگزاری سایبری خزر و روزنامه زمان و همچنین دانشگاه خزر در آذربایجان در اختیار این فرقه است. برخی معتقدند عنوان اختصاری این دانشگاه که با حروف f-g مشخص شده، برگرفته از حروف اول نام فتح... گولن رهبر این فرقه در ترکیه است (اشرافی و اشرافی، ۱۳۹۶: ۹۱-۹۰). رویکرد ترکیه در مسائل دینی به ویژه در منطقه نخجوان از قدرت تاثیرگذاری برخوردار است. ترکیه بعد از پیروزی جمهوری آذربایجان در جنگ دوم قره‌باغ سعی دارد با استفاده از ادبیات «دو دولت - یک ملت» و تاکید بر قوم‌گرایی ترکی، به عنوان ناجی منطقه معرفی شود.

۳-۵. استعاره هویت

سیاست مبتنی بر هویت جایگاه ویژه‌ای در تعارض آنکارا و تهران دارد و هر دو کشور در پی گسترش عقیده و ارائه الگوی خود در مناطق پیرامون هستند. آموزه‌های دینی اسلامی - شیعی جزء جدا نشدنی سیاست ایران است. هنگامی که از جمهوری اسلامی صحبت می‌کنیم، در ابتدا این صفت اسلامی است که قاعدتاً تعیین‌کننده مجموعه هنجارها و ارزش‌هایی است که بر سیاست خارجی مؤثر است. فرهنگ اسلامی نیز شامل اصول، قواعد اخلاقی، فقهی و حقوقی اسلام است که همگی نقش اساسی در شکل‌دهی به هویت اسلامی ایران دارند. این فرهنگ با تکوین هویتی خاص، نظام اخلاقی و ارزشی خاصی را برای قضاوت درباره سیاست‌ها، اقدامات و رفتارهای سایر کشورها ایجاد می‌کند (صالحیان و سیمبر، ۱۳۹۷). برای ترکیه نیز علقه‌های هویتی، ابزاری در محیط پیرامونی این کشور است. داوداگلو در کتاب عمق استراتژیک معتقد است: «ترکیه نیز مانند ایران شاخص‌های متکثر هویتی دارد. به همین دلیل سیاست خارجی خود را باید بر اساس هویت متنوع و حداکثرسازی مطلوبیت‌های تاریخی و هویتی در منطقه و جهان تنظیم کند (درج، ۱۴۰۲: ۳۱۳). ترکیه دارای حکومت لائیک و غرب‌گرا است و از عنصر نژاد و زبان نیز در قفقاز بهره می‌برد و به دنبال همگرایی بیشتر میان ترک‌زبانان و آذری‌زبانان است. بخشی از سیاست خارجی ترکیه نیز مبتنی بر محور غرب و ناتو در جریان است که عملاً در مقابل ایران قرار دارد. ترکیه به دنبال آن است که با بزرگ‌نمایی نقش ایدئولوژی در رقابت‌های منطقه، اهمیت تعیین‌کننده خود به عنوان نماینده تمدن غرب در رویارویی با اسلام‌گرایی و نفوذ ایران را یادآوری کند. اما ایران در سیاست خارجی، ایدئولوژی را بر مبنای اسلام‌گرایی و تقابل با گسترش نقش آمریکا و ناتو در قفقاز



جنوبی دنبال می‌کند (فلاحت پیشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۱). مهم‌ترین ابزار هویتی ترکیه، ایدئولوژی پان‌ترکیسم است. این ایدئولوژی به مثابه نوعی ملی‌گرایی از سال ۲۰۰۲ نقش چشم‌گیری در سیاست خارجی ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز داشته است. پان‌ترکیسم در واقع انگاره‌های رمانتیک مطرح در مورد سابقه تاریخی ترک‌ها و امپراتوری بزرگ و اسطوره‌های آنهاست که ابزارهایی را برای روشنفکران ترک‌زبان برای ایجاد پایه‌های حرکتی فرهنگی و سیاسی فراهم کرده است. مهم‌ترین ویژگی‌های پان‌ترکیسم عبارتند از: ابراز باور به وحدت مجموعه اقوام ترک‌زبان و ضرورت وحدت فرهنگی و سیاسی آنها، تاکید بر ایجاد زبان ترکی معیار به عنوان مبنای وحدت، رویکرد رمانتیک به تاریخ و تمدن ترک‌ها و ضرورت احیای آن و تلاش برای تجزیه مناطق ترک‌نشین کشورهای همسایه با هدف تحقق توران بزرگ. با در کنار هم قرار دادن این ویژگی‌ها، پان‌ترک‌گرایی به نمونه‌ای ایده‌آل از پدیده ملی‌گرایی رمانتیک تبدیل می‌شود که در مقابل ملی‌گرایی دموکراتیک به واسطه پایه‌های نژادی و قوم‌گرایانه خود، منبع خشونت سازمان‌یافته علیه اقوام و هویت‌های دیگر می‌شود (کولایی و نظامی‌پور، ۱۳۹۸: ۴۶۳-۴۶۲). پان‌ترک‌گرایی به عنوان اولویت سیاستی ترکیه در قفقاز در همگرایی با آذربایجان قرار دارد. پیوندهای قومی، فرهنگی و تاریخی، نمایی مشترک بین ترکیه و آذربایجان شکل داده‌اند. حیدر علی‌اف رئیس‌جمهور سابق آذربایجان برای تعریف روابط با ترکیه، عبارت «یک ملت دو کشور» را به کار برد. هسته مرکزی این روابط پیوندهای قومی و زبانی ترکی-آذری است که فهم مشترکی از یک ملت را پدید آورده است. تمرکز بر هویت قومی ترک-آذری برای جلوگیری از نفوذ مذهبی ایران در جامعه شیعیان آذربایجان و ایجاد خط ژئوپلیتیک و جغرافیای زبانی-قومی برای ترک‌تباران برای ترکیه بسیار مهم است (کاکایی و دهقانی فیروزآبادی، ۱۴۰۰: ۱۱۰).

نتیجه‌گیری

مناطق جغرافیایی در دهه‌های اخیر به ویژه پس از جنگ سرد از حوزه‌های مهم رقابتی بین کشورها بوده است. بخش عمده‌ای از این رقابت ناشی از منافع متعارضی است که کشورها دارند. قفقاز جنوبی از مهم‌ترین مناطقی است که ایران و ترکیه به عنوان دو قدرت منطقه‌ای در آن دارای منافع متعارض هستند. این منافع متعارض در چارچوب‌های مختلف قابل بررسی است. هدف اصلی در این پژوهش، تبیین منافع متعارض بین ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی از منظر ژئوپلیتیک انتقادی است. قفقاز جنوبی در گفتمان‌سازی و ذهنیت مقامات ایران و ترکیه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در اذهان مقامات ایرانی از جمله آیت‌اله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی قفقاز جنوبی، محیط سیاسی و امنیتی فوری ایران است.



سایر مقامات کشور از جمله روسای جمهور و وزرای خارجه نیز ایران نیز قفقاز جنوبی را در حوزه فرهنگی و تمدنی ایران، عمق تاریخی ایران، مساله امنیت ملی ایران، دانسته‌اند. ذهنیت و گفتمان مقامات ترکیه نیز وابسته به این منطقه است. این نخبگان همچون رجب طیب اردوغان نخست وزیر سابق و رئیس جمهور کنونی این کشور و احمد داووداغلو وزیر امور خارجه سابق این کشور قفقاز جنوبی را عمق استراتژیک ترکیه می‌دانند. ادراک و برداشت‌های ذهنی رهبران ترک در این منطقه از اهمیت آن در کریدورهای انرژی و اهمیت اتصال آن به نقاط دیگر است. در ذهنیت مقامات ترکیه قفقاز جنوبی آزادی قره‌باغ، اقتصاد منطقه، نظام جدید جهانی، اهمیت راهبردی، روابط تاریخی و فرهنگی، موازنه‌سازی و چشم‌انداز ژئوپلیتیکی است. منافع متعارض دو کشور در قفقاز جنوبی از منظر استعاره قدرت، علت تعارض منافع ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی، رقابت بر سر تصاحب جایگاه قدرت برتر منطقه‌ای است. ایران در این راه از استقلال ارمنستان برای تثبیت مرزهای جغرافیایی منطقه حمایت می‌کند. ترکیه نیز حمایت‌های نظامی و راهبردی از جمهوری آذربایجان را به ویژه در دوره بعد از جنگ قره‌باغ در پیش گرفته است. از منظر فضایی مقامات ترکیه آذری‌های ساکن ایران و قفقاز را واجد پتانسیل ایدئولوژی و زمان برای گسترش نفوذ آنکارا در منطقه می‌پندارند. ترکیه نیز ادامه گسترش فضایی شیعی در قفقاز جنوبی به ویژه آذربایجان را به عنوان گسترش فضایی ایران در منطقه محسوب می‌کند. از منظر استعاره هویت، سیاست مبتنی بر هویت جایگاه ویژه‌ای در تعارض آنکارا و تهران دارد و هر دو کشور در پی گسترش عقیده و ارائه الگوی خود در مناطق پیرامون هستند. ترکیه آموزه‌های دینی اسلامی - شیعی جزء جدا نشدنی سیاست ایران می‌داند که همواره در سیاست خارجی این کشور تاثیرگذار است. ایران نیز انگاره‌های هویتی ترکیه از جمله مذهب سنی، لائیک و غرب‌گرایی ترکیه را به ویژه با برداشت از نقش عنصر گسترش‌طلبی امپراتوری عثمانی سابق که ترکیه خود را نماینده می‌داند و هویت‌گرایی این کشور در ایجاد همگرایی بین ترک‌زبانان و آذری‌زبانان را به عنوان تهدید در نظر گرفته است.

منابع

- اسمعیلی، مهدی و همکاران، (۱۴۰۱)، «واکوی برنامه جامع همکاری ۲۵ ساله جمهوری اسلامی ایران و چین از منظر ژئوپلیتیک انتقادی»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ۲۹، شماره دوم، تابستان.
- اشرفی، مرتضی و اشرفی، مجتبی، (۱۳۹۶)، «بررسی و تحلیل وضعیت شیعیان جمهوری آذربایجان»، فصلنامه شیعه‌شناسی، دوره ۱۵، شماره ۵۸، تابستان.



افضلی، رسول و همکاران، (۱۳۹۳)، «قلمروسازی گفتمانی در ژئوپلیتیک»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره سوم، شماره چهارم، زمستان.

افضلی، رسول و همکاران، (۱۳۹۴)، «عناصر و مولفه‌های قلمروسازی گفتمانی در ژئوپلیتیک»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۷، شماره سوم، پاییز.

پوراحمدی، حسین و پدین، محمد، (۱۳۹۹)، «عوامل تاثیرگذار بر روابط ج.ا.ایران و ج.آذربایجان از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۶»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ۱۱، شماره سوم، بهار.

پیشگاهی‌فرد، زهرا و نورعلی، حسن، (۱۴۰۰)، «بررسی نظریه‌های مورد غفلت قرار گرفته در ادبیات ژئوپلیتیک ایران»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۵۳، شماره چهارم، زمستان.

توماج، امیرشیر و همکاران، (۱۳۹۹)، «بررسی تطبیقی سیاست خارجی ترکیه و جمهوری اسلامی ایران در قفقاز»، فصلنامه مطالعات سیاسی، دوره ۱۲، شماره ۴۷، بهار.

جانسیز، احمد و صالحیان، تاج‌الدین، (۱۳۹۵)، «نگاه نو به رقابت ایران و ترکیه در کسب قدرت منطقه‌ای»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ششم، شماره ۱۹، بهار.

جعفری‌پناه، مهدی و نائیج، علیرضا، (۱۴۰۲)، «ژئوپلیتیک انتقادی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۲۰، شماره ۷۲، بهار.

جوادی ارجمند، محمدجعفر، (۱۳۸۸)، «سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سیاست خارجی ج.ا.ایران در دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره اول.

حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: نشر پاپلی

حکیم، حمید، (۱۳۹۶)، ژئوپلیتیک قفقاز و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر خرسندی

دالبی، سایمون، (۱۳۹۶)، «ژئوپلیتیک انتقادی و امنیت»، در پیتر برجس، بررسی‌های جدید امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر امیرکبیر

درج، حمید، (۱۴۰۲)، «سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی و تأثیر آن بر قلمروی نفوذ این کشور در منطقه»، فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال ۲۱، شماره سوم، پاییز.

دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۹۹/۰۸/۱۳)، «راه‌حل پایان مناقشه قره‌باغ»، قابل دسترسی در لینک زیر:

<https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=46775>

دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، (۱۴۰۱/۰۹/۰۵)، «بیانات در دیدار بسیجیان»، قابل دسترسی در لینک زیر: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51418>

ساداتی‌شیده، مهرانه، (۱۴۰۱)، مولفه‌های نظم منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در خرده شبکه منطقه‌ای قفقاز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی زاهد غفاری هاشجین، تهران: دانشگاه شاهد.

صادقی اول، هادی و همکاران، (۱۳۹۸)، «ژئوپلیتیک انتقادی و تحلیل رویکرد ترکیه در قبال داعش»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره هشتم، شماره اول، بهار.



صالحیان، تاج‌الدین و سیمبر، رضا، (۱۳۹۷)، «منابع اجتماعی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره هشتم، شماره ۲۶، بهار.

عباس‌زاده فتح‌آبادی، مهدی و همکاران، (۱۴۰۰)، «تحلیل سازه‌انگاره چرخش در سیاست خارجی ایران در بحران قره‌باغ ۲۰۲۰»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۴، شماره دوم، زمستان.

علمدار، اسماعیل و همکاران، (۱۴۰۳)، «تبیین مولفه‌های علایق ژئوپلیتیک در روابط خارجی ایران و ترکیه»، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۲۰، شماره ۷۳، بهار.

فتح‌اللهی، عبدالرحمن، (۱۴۰۰/۰۷/۱۴)، «اردوغان، کارگردان آشوب‌های منطقه»، قابل دسترسی در لینک زیر:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/2006607/>

فلاح‌پیشه، حشمت‌اله و همکاران، (۱۳۹۴)، «سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی و منافع ایران و روسیه»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره چهارم، شماره ۱۲، بهار.

کاظمی، احمد، (۱۳۸۴)، امنیت در قفقاز جنوبی، تهران: نشر موسسه تحقیقات ابرار معاصر

کاکایی، سیامک و دهقانی فیروزآبادی، جلال، (۱۴۰۰)، «سیاست ترکیه در مناقشه قره‌باغ»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ۲۷، شماره ۱۱۵، پاییز

کولایی، الهه و اصولی، قاسم، (۱۳۹۱)، «چگونگی تغییر روابط امنیتی شده ایران و جمهوری آذربایجان»، دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال پنجم، شماره ۱۰، بهار و تابستان.

کولایی، الهه و نظامی‌پور، مریم، (۱۳۹۸)، «پان ترکیسم: برساختن هویت و شکل‌گیری جمهوری آذربایجان ۱۹۲۰-۱۸۹۰»، دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۲، شماره دوم، پاییز و زمستان.

مویر، ریچارد، (۱۳۷۹)، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر، تهران: نشر سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
میرحیدر، دره و حمیدی‌نیا، حسین، (۱۳۸۵)، «مقایسه جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل از نظر روش‌شناسی و مفاهیم»، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره دوم، شماره سوم.

Anadolu agency, (08/11/2021), Azerbaijan marks 1st anniversary of victory in patriotic war, available at: <https://www.aa.com.tr/en/azerbaijan-front-line/azerbaijan-marks-1st-anniversary-of-victory-in-patriotic-war/241499>

Areshev, Andrei, (2015), Turkey's Policies in the southern Caucasus and regional security mechanisms, Review of Armenian studies, no. 32.

Azizi, Hamidreza and Hamidifar, Hamidreza, (2021), Continuity and Change in Iran's Approach toward the Nagorno-Karabakh Crisis, Geopolitics Quarterly, Vol 16, No 4.

Gorcki, Wojciech and Strachota, Krzysztof, (2021), The Caucasus deregulated. The region on the anniversary of the end of the second Karabakh war, Centre for eastern studies, available at: <https://www.osw.waw.pl/en/publikacje/osw-commentary/2021-11-26/caucasus-deregulated-region-anniversary-end-second-karabakh>.

Hunter, Shireen and et al, (2021), The New Geopolitics of the South Caucasus: Prospects for Regional Cooperation and Conflict Resolution, Lexington Books Publications.

Motamedi, Maziar, (2020), Why did President Erdogan's poem infuriate Iranians, available at: <https://www.aljazeera.com/news/2020/12/13/why-did-erdogans-poem-infuriate-iranians>.



President of republic of Azerbaijan Ilham Aliyev, (2022), Speech by Ilham Aliyev at the 9th summit of organization of Turkic States, available at: <https://president.az/en/articles/view/57856>.

Roubanis, Ilya, (2024), how Syria, ukraine and gaza are transformaing power dynamics in the Caucasus, available at: https://www.clingendael.org/sites/default/files/2024-02/PB_Power_dynamics_in_the_Caucasus.

Scotti, Simona, (2023), Türkiye's Evolving South Caucasus Policy under Re-Elected Erdoğan, available at: <https://www.commonspace.eu/opinion/turkiyes-evolving-south-caucasus-policy-under-re-elected-erdogan>

Turkey Ministry of Foreign Affairs, (2024), Economic Relations between Türkiye and Georgia, available at: <https://www.mfa.gov.tr/economic-relations-between-turkiye-and-georgia.en.mfa>.